عکس: ایرنا

تجربه‌های زنانه از کسب قدرت سیاسی

سه زن

مهسا علی‌بیگی

می‌گویند برابری یعنی دسترسی برابر به فرصت‌ها، یعنی همه گروه‌های اجتماعی با هر جنسیت و قومیتی و از هر طبقه‌ای برای دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از فرصت‌های برابر و مشابهی بهره‌مند باشند. درمقابل نابرابری هم منحصر و محدودماندن برخی فرصت‌ها به گروه‌های جنسی، قومی یا طبقاتی خاصی معنا می‌شود؛ اتفاقی که فعالان حقوق زنان در سراسر دنیا معتقدند در زمینه قدرت سیاسی افتاده و به همین دلیل سیاست در جهان چهره‌ای مردانه به خود گرفته است. در ایران و در آستانه دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، بحث تغییر این چهره مردانه در عرصه قانون‌گذاری جدی‌تر از پیش ازسوی گروه‌های مختلف جامعه زنان مطرح شده است و پیگیری می‌شود. در این مسیر نیز گاهی از تجربه‌های زنانه کسب قدرت سیاسی سخن به میان می‌آید و الگوها و نمونه‌های ایرانی زنان سیاست‌مدار معرفی می‌شوند. زنانی مثل «حمیرا ریگی»، اولین فرماندار زن اهل سنت در دولت یازدهم، «شهناز رمارم»، عضو هیأت‌رئیسه شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان و مؤسس کمپین «زنان به زنان رأی دهند» و «مهرنوش نجفی‌راغب»، از جوان‌ترین زنان عضو شورای اسلامی شهر در همدان. این سه زن میهمان نشست «تلاش زنان برای تغییر چهره مردانه سیاست» بودند تا از تجربیات خود در دوران حضورشان در عرصه سیاست بگویند؛ نشستی که در دانشگاه تربیت مدرس تهران و به همت «کانون شهروندی زنان» و انجمن علوم سیاسی این دانشگاه برگزار شد.

بلای آسمانی یا رقیب سیاسی

حمیرا ریگی، اولین زنی بود که دولت یازدهم حکم فرمانداری‌اش را برای شهر قصرقند در جنوب استان سیستان‌وبلوچستان امضا کرد. او یک زن بلوچ و اهل سنت است که زیر چادر مشکی‌اش لباس‌های بلوچی سوزن‌دوزی‌شده می‌پوشد؛ اقدامی که به گفته خودش «بخشی از استراتژی‌اش است که متناسب با منطقه‌ای که در آن زندگی و فعالیت می‌کند، طراحی شده». ریگی پیش‌تر از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ بخشدار چابهار بوده است. او درباره این اولین تجربه مشارکت در قدرت سیاسی می‌گوید: «وقتی بخشدار چابهار شدم در همان مراسم معارفه شنیدم یکی از اهالی چابهار می‌گفت: امروز یک بلای آسمانی بر ما نازل شده است. خیلی از مردم نیز پیش نماینده مجلس چابهار می‌رفتند و می‌گفتند: ما به تو رأی دادیم، رأی ما هیچ ارزشی برایت نداشت که یک زن را بخشدار ما کردی؟ همین تجربه را زمان انتصابم به‌عنوان فرماندار داشتم. مردم سراغ استاندار می‌رفتند و می‌گفتند: ما چه گناهی کرده بودیم که یک زن را فرماندار شهر ما کردی؟ همان اوایل انتصابم هم در یک میهمانی حضور داشتم و شنیدم یکی از اقوام همسرم به دیگران می‌گفت: خانواده ریگی، خانواده بسیار محترم و شناخته‌شده‌ای هستند، من نمی‌دانم چطور با این ننگ که این خانم فرماندار شده است، کنار می‌آیند؟». ریگی ادامه می‌دهد: «اما این نگاه به‌مرور زمان و با نشان‌دادن مسئولیت‌پذیری، تغییر کرد. همسرم یکی از کسانی بود که بیشترین حمایت را از من کرد چون واقعیت این است زمانی که بستری برای حضور زنان فراهم می‌شود، مسئولیت شما بیشتر هم می‌شود چون شما نسبت به این بستری که ایجاد شده است، مسئول هستید و باید آن را حفظ کنید».

ریگی، متولد ۱۳۵۴ و فیزیوتراپیست است. او که نزدیک به ۲۰ سال تجربه فعالیت در سمت‌های مختلف ازجمله رئیس اداره بهزیستی چابهار، مشاور مدیر کل بهزیستی سیستان‌وبلوچستان، دبیر کمیسیون امور بانوان فرمانداری چابهار و عضو شورای اسلامی شهر چابهار را داشته است، درباره مشارکت سیاسی زنان در این استان می‌گوید: «در بسیاری از بخش‌های استان سیستان‌وبلوچستان هنوز هم چهاردیواری خانه، بهترین جا برای حضور زن است. اما این نگاه‌ها می‌تواند تغییر کند و باید در تربیت کودکان لحاظ شود. زمانی که بخشدار بودم وقتی به مدارس دخترانه سر می‌زدیم بسیاری از دختران تمایلی به ادامه تحصیل نداشتند زیرا می‌پرسیدند: برای چه باید ادامه تحصیل دهیم؟ ولی دیدن یک زن دیگر با لباس خودشان و به‌عنوان بخشدار، باعث می‌شد افق دیدشان بزرگ‌تر شود. به‌همین‌دلیل مشارکت زنان در همه عرصه‌ها مهم است». اما تغییری که ریگی از آن حرف می‌زند، چگونه محقق خواهد شد؟ به اعتقاد ریگی: «رویکرد مردسالاری و زن‌سالاری هر دو افراطی است. به‌جای این دو باید به سمت خردورزی و تعادل رفت. مردان نباید ما را روبه‌روی خود ببینند، بلکه ما باید ثابت کنیم زن نیمی از پیکره انسانی است که بدون او جامعه انسانی به تعالی نخواهد رسید. خود من اگر ببینم حق زنی تضییع می‌شود، کاملا کنترلم را از دست می‌دهم اما هرگز حاضر نیستم برای احقاق حق زنی، حقوق مرد را ضایع کنم». او تأکید می‌کند: «اما بدون حضور زنان که نیمی از منابع انسانی برای توسعه هستند، توسعه محقق نمی‌شود. در هزاره سوم میلادی که هزاره گسترش توسعه و خردورزی است، از زنان هم به‌عنوان هدف توسعه و هم عامل آن نام می‌برند. در دین مبین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این رشد شخصیت زنان و احیای جایگاه آنها تأکید شده است. با وجود این، شما می‌بینید از ۲۹۰ نماینده مجلس ایران فقط هشت نفر زن هستند. این آمار واقعا نگران‌کننده است و نشان می‌دهد نیمی از جامعه معلول است و به‌همین‌دلیل است که ما در قوانین حوزه زنان که باعث رشد و توسعه وضعیت آنها می‌شود، شاهد خلأهایی هستیم». اگرچه به اعتقاد فرماندار قصرقند، بیش از هرکسی خود زنان باید برای پرکردن این خلأها تلاش کنند: «آنچه مانع حضور زنان در عرصه‌های مختلف می‌شود، نبود شناخت کامل از اسلام ناب محمدی و نبود خودباوری در میان زنان است چون حق دادنی نیست، گرفتنی است و برای گرفتن این حق ابتدا باید توانمندی‌هایمان را به‌عنوان زن نشان دهیم و نشان دهیم با اسلام ناب محمدی و الگوی زنان صدر اسلام، می‌خواهیم وارد عرصه سیاست شویم.»

پاگذاشتن در مسیر «زنان نوغان»

شهناز رمارم، مسئول مجمع زنان اصلاح‌طلب استان خراسان، عضو هیأت‌رئیسه شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان و عضو هیأت‌رئیسه اولین پارلمان معلمان خراسان‌رضوی است. او کمپین «زنان به زنان رأی دهند» را در استان خراسان آغاز کرده که به گفته خودش «پسرش مسئول اداره شبکه‌های اجتماعی این کمپین است و گاهی با کسانی که علیه این کمپین فعالیت می‌کنند، جروبحث راه می‌اندازد». او پیش‌تر درباره هدف این کمپین گفته بود: «ما وقتی سراغ بزرگان می‌رویم، به ما می‌گویند بخشی از مشکل تقصیر خود زنان است که خودشان را جدی نمی‌گیرند یا دست‌کم می‌گیرند در این شرایط چه توقعی از مردان دارید؟ کمپین زنان به زنان رأی دهند، دنبال یک فرهنگ‌سازی است نه صرفا یک حرکت جنسیتی. این فرهنگ‌سازی تلاش دارد بگوید خانم‌ها رأی‌شان را به زنان یا مردانی که برای حوزه زنان برنامه دارند و قبل از انتخاب‌شدن در برنامه‌های خود اعلام کرده‌اند، دهند. برنامه داریم در این زمینه با علما صحبت کنیم. نزد علمای قم برویم و درباره لزوم استفاده از سرمایه اجتماعی زنان در عرصه سیاست رایزنی کنیم». البته رمارم هنوز هم معتقد است مهم‌ترین مانع زنان برای مشارکت سیاسی «خود زنان» هستند، زیرا «باور ندارند که می‌توانند حضور مثمرثمری در عرصه سیاست داشته باشند». البته او این مانع را مختص زنان ایرانی نمی‌داند و می‌گوید: «هیچ‌یک از موانع فردی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و... که مانع از حضور زنان در مشارکت سیاسی می‌شود، تنها مختص زنان ایرانی نیست و در تمام جوامع توسعه‌نیافته یکسان است». او که بزرگ‌شده مشهد، یکی از مذهبی‌ترین شهرهای ایران است، برای رسیدن به خودباوری که از آن حرف می‌زند، مشارکت‌های زنان در طول تاریخ اسلام را الگوی خود قرار داده است. یکی از این الگوها به گفته رمارم، «زنان نوغان» است. نوغان یکی از محله‌های قدیمی مشهد است که حوالی خیابان طبرسی فعلی قرار داشت. زنان نوغان هنگامی که از شهادت امام‌رضا (ع)، باخبر شدند، از مهریه خود گذشتند تا مردان اجازه شرکت در تشییع‌جنازه حضرت را به آنها دهند. البته فقط داشتن الگو کافی نیست. زنان برای حضور در عرصه سیاست و مشارکت سیاسی، نیازهای دیگری هم دارند. رمارم که خود کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی است، این نیازها را این‌گونه توصیف می‌کند: «ما خانم‌ها وقتی می‌خواهیم وارد عرصه مشارکت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... شویم، باید در ابتدا مشخص کنیم هدفمان از این مشارکت چیست؟ اگر اهدافی که برای خودمان تعیین کرده‌ایم در دسترس و متعالی باشند، می‌توانند زمینه بهتر مشارکت را فراهم کنند. در کنار این باید انگیزه‌های درونی‌مان را برای کسب این اهداف بالا ببریم و با هدف و انگیزه‌ای که داریم، خودمان را مجهز کنیم». او درباره هدف از مشارکت زنان می‌گوید: «ما برای رسیدن به توسعه، ناگزیر از حضور و مشارکت زنان هستیم. اگر پیامبر اسلام(ص) هزارو ۴۰۰ سال پیش از زنان می‌خواستند در رویدادهای اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند، به این دلیل بود که ایشان به‌دنبال توسعه در یکی از عقب‌مانده‌ترین جوامع آن زمان یعنی حجاز بودند. از سوی دیگر، اگر می‌خواهیم حقوق و مطالبات زنان به آنها داده شود باید به سمت توسعه برویم. شما در دنیا هیچ کشوری را نمی‌توانید پیدا کنید که توسعه‌یافته باشد اما بی‌توجه به مسائل زنان باشد». او ادامه می‌دهد: «اما مردان به‌راحتی با مشارکت سیاسی زنان کنار نمی‌آیند، مگر مردان توسعه‌یافته. دلیلش این است اگرچه مشارکت به‌معنای تعاملی است که به سود دو طرف باشد، اما متأسفانه مشارکت سیاسی امروز به معنای شریک‌شدن در قدرت سیاسی و بنابراین نوعی رقابت است. به‌همین‌دلیل در این رقابت آنچه برای زنان مهم می‌شود، بالابردن هرچه بیشتر توانمندی‌هایشان است. اگرچه این حرف نباید به این معنی تلقی شود اگر قدرت سیاسی امروز در دست مردان است، به این معنی است که زنان توانمندی تاکنون نداشته‌ایم».

بدون پشتیبان، بدون رسانه

مهرنوش نجفی‌راغب وقتی فقط ۲۶ سال داشت به عضویت دوره سوم شورای اسلامی شهر همدان رسید. او زمانی‌که به این سمت انتخاب شد، یک‌سال‌ونیم بیشتر از گرفتن پروانه وکالتش نمی‌گذشت. در زمان انتخابات در فهرست اصلاح‌طلبان همدان قرار گرفت درحالی‌که چندان سابقه سیاسی نداشت. در سال ۱۳۸۳ و در نبود رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی، او فقط یک وبلاگ داشت که در آن درباره موضوعات مختلف حقوقی می‌نوشت. این دسترسی نداشتن به منابع قدرت و رسانه‌ها باعث شد در نامزدشدن برای انتخابات شورای شهر، دچار شک و تردید شود. اما به گفته خودش «با اصرار دوستان» برای انتخابات ثبت‌نام کرد. او در این زمینه می‌گوید: «از آن آدم‌هایی هستم که یا وارد فعالیتی نمی‌شوم یا اگر شدم، باید آن را تمام‌وکمال انجام دهم. به‌همین‌دلیل وقتی کاندیدای انتخابات شورای شهر شدم خیلی برای انتخاب‌شدن تلاش کردم، آن‌قدر که برخی چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلب در همدان از تلاش من تعجب می‌کردند و گاهی حتی مورد تمسخر برخی از بزرگ‌ترها هم قرار می‌گرفتم. من در پاسخ به تعجب‌ها و تمسخرها می‌گفتم: من آمده‌ام رأی بیاورم و انصرافی در کار نیست. مردم هم به من اعتماد کردند و عضو شورای شهر همدان شدم. البته مشکلات پس از رأی‌آوردن، بیشتر می‌شود، زیرا مردم به تو اعتماد کرده‌اند و حالا وقتش است که خواسته‌هایشان را با تو درمیان بگذارند و تو آنها را منعکس، پیگیری و محقق کنی». او که متولد ۱۳۵۷ است تا سال ۹۲ عضو شورای شهر و رئیس کمیسیون بودجه و حقوقی این شورا باقی ماند. درحال‌حاضر رجبی‌راغب رئیس کمیسیون حقوق‌بشر کانون وکلای استان همدان و فعال حقوق زنان است. او درباره اولین تجربه‌اش از حضور در عرصه سیاست، می‌گوید: «برای من به‌عنوان یک زن که در سن پایین وارد مشارکت سیاسی شدم، یکی از اصلی‌ترین مشکلات نداشتن ابزارهای قدرت مثل حمایت احزاب سیاسی، هم از نظر تأمین مالی و هم از نظر پوشش رسانه‌ای بود. درحالی‌که مردان سال‌هاست که این ابزارها را در دست دارند و باید با آنها در شرایطی برابر رقابت کرد. علاوه‌براین مانعی بسیار جدی برای حضور زنان در عرصه سیاست وجود دارد و آن نگاه فرادست و فرودستی است که نسبت به زنان در همه عرصه‌ها وجود دارد و متأسفانه مختص یک گروه یا طیف یا شهر خاص هم نیست و همه‌گیر است». او ادامه می‌دهد: «اما با وجود اینکه این موانع بر سر راه حضور زنان در مشارکت سیاسی وجود دارد، باید بگویم زمانی که شما مصمم هستید و انگیزه دارید، می‌توانید بر این موانع غلبه کنید. البته می‌دانم در این زمینه هم مشکلاتی وجود دارد مثل اینکه حساسیت‌ها نسبت به زنان، بیشتر است. زنان بیشتر زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند و باید بیشتر از مردان خودشان را نشان دهند». اما رجبی‌راغب چگونه بر این موانع غلبه کرده است. او می‌گوید: «در شورای شهر همدان از بین ۹ نفر عضو، چهار نفر زن بودند. می‌شود گفت از نظر تعداد تقریبا با مردان برابر بودیم. البته باید اشاره کنم هر چهار زن، همفکر هم نبودند. با وجود این، در مسائل مربوط به زنان، هرچهار زن با هم متحد می‌شدیم. برای مثال، یادم هست شهرداری همدان می‌خواست ۱۲ آتش‌نشان زن این شهر را تعدیل کند. همدان اولین شهری است که خانم‌های آتش‌نشان استخدام کرد. استدلال شهرداری برای این کار این بود که در بسیاری از حوادث نیازی به حضور این زنان نیست و این زنان می‌توانند در کادر اداری استخدام شوند. ولی ما چهار زن کاملا مصمم و منطقی در برابر این خواسته شهرداری ایستادیم و مانع از تصویب آن شدیم. در بسیاری از موارد هم که توان مقابله نداشتیم، با گفتن این جمله که ما این ماجرا را رسانه‌ای می‌کنیم، قدرت چانه‌زنی‌مان را بالا می‌بردیم». این وکیل پایه یک دادگستری تأکید می‌کند: «همان‌طور که گفتم، اگرچه صرف جنسیت افراد باعث همفکری آنها نمی‌شود، اما فکر می‌کنم همین اتفاق هم در مجلس شورای اسلامی می‌تواند رخ دهد. ما امروز در مجلس شاهد ضعف‌های بسیاری در قانون‌گذاری هستیم، زیرا از نظرات زنان در این قوانین استفاده نمی‌شد و این نقص در قوانین ما به‌وضوح قابل مشاهده است مثل قانون مجازات اسلامی به‌ویژه در بخش قصاص، دیات و... یا قانون خانواده. به همین دلیل حضور زنان و تعداد آنها در عرصه قانون‌گذاری اهمیت دارد و زنان باید برای دستیابی به آن تلاش کنند».

تجربه دیگران

اقدامی خودسرانه

اخترمحمد ماکویی: شهر هرات روزهاست که شاهد تردد لودر، خاور و ماشین‌های سنگین در مرکز شهر است؛ شهردار جدید هرات مدتی است که آغاز به کار کرده و در این مدت فعالیت‌های زیادی انجام داده که در راستای گسترش شهری بوده، ولی بسیاری از کارهای او حاشیه‌ساز هم بوده؛ از جمله تخریب ساختمان تاریخی تئاتر شهر که با اعتراض هنرمندان همراه بود و برخورد با مالک بانفوذ یک هتل که کار به درگیری با نیروهای حراست هتل کشید. با همه حواشی ایجادشده؛ شهردار جدید، با کارهایی که انجام داده توانسته محبوبیت زیادی در بین مردم این شهر برای خود پیدا کند. به دستور او روز پنجشنبه (۱۰ دی) دیوار محافظتی سرکنسولگری ایران بدون هماهنگی با مقامات کنسولگری تخریب شد. این دیوار برای حفظ امنیت کارکنان کنسولگری و روزانه ۵۰۰ نفری که برای اخذ روادید به این محل دیپلماتیک مراجعه می‌کنند تا در صورت حمله احتمالی آسیبی نبینند، با هماهنگی فرماندهی پلیس این ولایت ایجاد شده بود. آن‌گونه که «محمود افخمی‌رشیدی»، سرکنسول ایران در هرات می‌گوید ابتدا فکر کرده‌اند که صدای لودرهایی که به گوششان می‌رسد در حال تخریب مکان دیگری هستند، ولی زمانی که در محل حضور پیدا کرده‌اند، دریافتند که شهرداری در حال تخریب دیوار ضدانفجار اطراف کنسولگری است؛ وی همچنان گفت اگر اقدامات به‌موقع‌شان نبود افرادی که برای اخذ روادید آمده بودند نیز آسیب می‌دیدند. بنابر طرح توسعه شهریِ شهرداری هرات، تمام مکان‌هایی که در کنار این جاده هستند باید تخریب شوند و چند متر عقب‌نشینی کنند تا این جاده مرکزی شهر که درحال‌حاضر چهاربانده است، هشت‌بانده شود. در پی تخریب دیوار حفاظتی، سیستم کامپیوتری این محل آسیب دیده است و به گفته آقای افخمی تا اطلاع ثانوی انجام‌دادن فعالیت کنسولی مقدور نیست. دو روز بعد از تخریب، با گذشتن از این جاده، تغییری را که با حذف این دیوار ایجاد شده می‌توان دید. این عمل شهرداری هرات توسط والی هرات و همچنین مقامات ارشد دولتی محکوم شده؛ دفتر والی هرات بلافاصله پس از این اقدام شهرداری هرات، ضمن انتقاد، این کار را خلاف تمامی اصول اداری و مقرراتی دانست. «احسان‌الله حیات»، سخنگوی والی هرات، گفت: «هیأتی را برای رسیدگی به این مسئله تشکیل داده و در اولین فرصت، عاملان این اقدام خودسرانه به دستگاه‌های عدلی و قضائی معرفی می‌شوند». وی ادامه داد: «شهرداری هرات خلاف عرف دیپلماتیک و تفاهم، امروز بدون هماهنگی با مقام «ولایت»، اقدام به تخریب قسمتی از ساختمان سرکنسولگری کرده است». وی گفته است پس از بررسی‌های لازم میزان خسارتی که به کنسولگری وارد شده، توسط شهرداری به این محل پرداخت شود. سرکنسول ایران در هرات که صبح جمعه در یک نشست خبری با رسانه‌ها صحبت می‌کرد، خواستار عذرخواهی عاملان تخریب این دیوار محافظتی کنسولگری ایران و معرفی آنان به نهادهای قضائی شد. سرکنسول ایران در رابطه با عقب‌نشینی دیوار اصلی کنسولگری ایران در هرات نیز گفت با وجود آمادگی‌های قبلی برای عقب‌نشینی، اما حالا با این اقدامات صورت‌گرفته، منتظر دستور وزارت خارجه ایران می‌ماند و این روند دشوارتر شده است.

تمام مکان‌هایی که در جاده «ولایت» در طرح هستند تخریب شده‌اند، تنها جایی که باقی مانده است همین کنسولگری ایران است که زمینه تخریب آن توسط مجاری قانونی در پیش بود؛ حتی سرکنسول ایران در هرات چندی قبل از این طرح شهرداری هرات برای گسترش جاده مذکور استقبال کرده بود. این اقدام شهرداری هرات علاوه بر خسارتی که به کنسولگری وارد کرده است، برای افرادی که قصد اخذ ویزای ایران را داشتند، مشکل ایجاد کرده؛ چون در این بین افرادی هستند که بیمارند و باید برای معالجه به ایران سفر کنند.

میراث فردا

برای محمدعلی اینانلو

در مقابل طبیعت مسئولیم

دکتر امیر نظری*

روزهایی که هشت یا ۱۰ساله بودم و تنها سرگرمی رسانه‌ای ما و قبلی‌هامون، صدای رادیو بود و تصویر یک یا دو شبکه تلویزیونی، به ابتکار یکی از پسرعموها صدای ضبط‌شده یک برنامه رادیویی رو می‌گذاشتیم و از گپ‌وگفت مجری خوش‌صدای برنامه با یکی از آقایون فامیل، کیف کرده و ریزریز می‌خندیدیم. صدای آقای مجری از اون دست صداهایی بود که وقتی می‌شنیدی، هیچ‌وقت از لوح دل و جانت پاک نمی‌شد و دوست داشتی ساعت‌ها واست حرف بزنه. آقای مجری برنامه، آقای فامیل رو با صمیمیت، بی‌بی اوغلو (پسرخاله یا پسرعمه) خطاب می‌کرد و با هم از طبیعت زیبای منطقه ابهر (استان زنجان) سخن می‌گفتند.

سال‌ها گذشت... . قرار بود هر روز هفت‌ونیم صبح، در محل خدمت سربازی که کلینیکی با فاصله ۱۰ دقیقه پیاده‌روی تا منزل بود، حاضر شوم؛ اما یک برنامه تلویزیونی جذاب و پرطرفدار، همیشه باعث می‌شد دیر برسم و برایم تأخیر و گاهی تنبیه ثبت شود. برنامه‌ای که یکی از آیتم‌هاش برنامه همون آقای مجری بود، قدبلند و خوش‌سیما و خوش‌صدا. برنامه باز هم درباره طبیعت بود و آقای مجری (مرحوم محمدعلی اینانلو) از زیبایی‌های ایران می‌گفت و دغدغه حفظ و حراست از طبیعت رو داشت. چقدر با ذوق و علاقه، داستان دست کشیدنش از شکارکردن رو تعریف می‌کرد و چقدر با علاقه‌تر من گوش می‌دادم. تأثیر رقص زیبای یال گوزن، متأثر از باد وزان، بر روی دل و جان شکارچی کهنه‌کار... . می‌گفت دست از ماشه کشیده و به خدمت طبیعت درآمده بود.

آه... یعنی می‌شود این همه ناز و تنعّم طبیعت روی ما هم اثری بگذارد؟! چقدر رود خروشان، آب زلال، برگ رقصان، آسمان بی‌کران، زرد و قرمز پاییز و کوه سرسپید در زمستان باید دید تا دل ما به حال طبیعت به نرمش در بیاید؟! طبیعتی که باید دیدش و لذت برد و حفظش کرد و گذاشت و گذشت... .

چند سالی از روزگار خدمت سربازی گذشت و من هم به لطف خدا، فرصت اجرا برای مردم عزیز رو در حوزه سلامت پیدا کردم و این اقبال بی‌نظیر نصیبم شد. چقدر سلامت ما با طبیعت گره خورده است. به‌راستی آنچه که امروز به طبیعت می‌بخشیم، زود واپس می‌گیریم. چقدر زود شهرمون آلوده میشه و ریه‌هامون رو به درد میاره. چقدر زود نابودی مراتع و جنگل‌ها گریبانمون رو می‌گیره و اکوسیستم شهر و استان و کشورمون رو تغییر میده. آلودگی‌ای که کارخانه‌ای بی‌خیال در مسیر آب رودخانه‌ای می‌ریزه. چقدر زود مردم پایین‌دست رو به بیماری‌های لاعلاج مبتلا می‌کنه!

فکر نمی‌کردیم این‌طوری باشه!؟ فکر می‌کردیم امروز خراب و کثیف کرده و خواهیم گذشت و کس دیگری زحمت پاک‌کردنش رو خواهد کشید یا رنجش آلودگی‌اش رو متحمل خواهد شد. اما این‌طورها هم نیست! این بدرفتاری با طبیعت گریبان خود ما را هم خواهد گرفت!

خیلی گریزپا باشیم و خوش‌شانس، حتما فرزندان خود ما را به دردی مبتلا خواهد کرد.

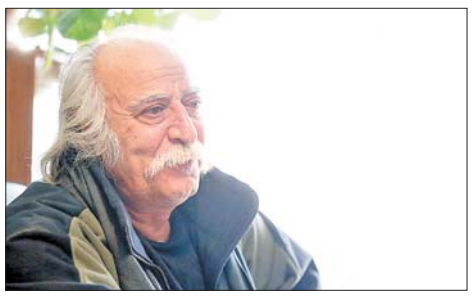

طبیعتی که امروزه دانشمندان، آن‌قدر بر نظم و هوش آن صحه می‌گذارند که معترف‌اند حتی کم‌شدن تعداد گونه‌ای خاص از حیوانات هم بر روی کارکرد طبیعی طبیعت اشکال ایجاد می‌کند. راستی دو کلمه طبیعی و طبیعت در کنار هم آمد. خیلی قابل‌تأمل است. کاش تلاش کنیم طبیعتمان در حال و اوضاع طبیعی‌اش باشد. جالب است، این روزها با این همه پیشرفت تکنولوژیکی، باید حال ما و طبیعت بهتر باشد اما... دریغ. مشکل این ارتباط ضعیف بین پیشرفت در تکنولوژی و پسرفت در نگهداری از طبیعت کجاست؟! پاسخ در یکی از اصطلاحات جامعه‌شناسی به نام واپس‌ماندگی فرهنگی (cultural lag) است. اهل فن‌اش خوب می‌داند که چیست؛ اما ساده‌اش برای من و شما این است که گوشی آخرین مدل دستمان باشد و سوار بر اتومبیل معمولی (یا حتی مدل بالای) خود باشیم و پیرهن و زلفمان فرنگی‌مآب باشد، اما آشغال دستمان را به طبیعت یا کوچه و خیابان بیندازیم (گویی که آنچه در دست ما و در ماشین ما زیادی است، جایش در طبیعت است.)

اما... زهی خیال باطل! مستحضر باشیم که تمام مکانیسم طبیعت (چه در درون بدن ما و چه خارج از آن) به‌صورت چرخه‌ای است و هر چیزی نه شاید به همان شکل اول، بلکه با همان کیفیت اول به ابتدای چرخه باز خواهد گشت. (منظور این است که آشغالی که می‌اندازیم، به شکل آشغال به ما نخواهد رسید، بلکه از آنجا که با طبیعت بد کردیم قطعا و قطعا بدی خواهیم دید.)

حال جسمی «محمدعلی اینانلو» (ترسیدم بنویسم مرحوم و باز چشمانم تر شود.) این روزها خوب نبود مثل حال‌وهوای تهران! بارها قصد کردم از آشناهای مشترک بخواهم که ترتیب دیداری بدهند، اما حاصل این پشت‌گوش‌انداختن حسرتی است ابدی برای من. می‌خواستم برایش از مناطقی بگویم که درخت‌های خط جنگلی را قطع می‌کنند تا خانه و آپارتمان بسازند، از کوه‌هایی بگویم که زمانی پر کبک بود و این روزها فقط سنگ است؛ اما مجال نیافتم. با خود می‌گویم کاش این چیزها را به خود بگوییم. بگوییم که در مقابل طبیعتمان مسئول هستیم، به حکم آنکه: هرچه کنی به خود کنی/ اگرچه نیک و بد کنی.

راستی آخرین دست‌نوشته «محمدعلی اینانلو» را هم خواندم (توصیه می‌کنم شما هم بخوانید)؛ حتی تأثیر همینگوی و مارکز و دولت‌آبادی بر ذهنش نتوانسته بود نوازش طبیعت وحشی را از یادش ببرد. حساب‌وکتاب دیدار هلال ماه‌های عمرش را هم داشت (تا هلال هشتصدم را دیده بود). اما ما از طبیعت شهرمان، کشورمان و اطرافمان چه برداشت و حاصلی داریم؟! از باد و آفتاب و باران و آسمان آبی و رود و دشت و شب و کویر لذت می‌بریم؟! کاش ببریم و اگر هم نه، کاش در حفظ آن برای دیگران و فرزندانمان کوشا باشیم، شاید آنها طبیعت را و طبیعت آنها را دوست داشته باشد. یادمان باشد... . طبیعت نیز چون چرخ گردون زنجیروار است. در آخر هم امیدوارم خداوند روح «محمدعلی اینانلو» را قرین رحمت کند، چراکه به اندازه خود برای طبیعت و کشورش زحمت کشید. هم حظ برد و هم طعم شیرین برنامه‌هایش را به ما چشانید.

*** کارشناس و مجری سلامت در رادیو و تلویزیون**